

خبر اول

تجلیل از خانواده شهید علی هاشمی به بهانه اکران «اسفند»

در نخستین روز از هجدهمین جشنواره فیلم مقاومت، هم‌زمان با اکران فیلم «اسفند» درباره زندگی شهید علی هاشمی، فرمانده قراگاه نصر در دوران دفاع مقدس خانواده این شهید مورد تجلیل قرار گرفت. به گزارش ایسنا، سردار علی مقواساز دبیر بنیاد فرهنگی روایت فتح بعد از اشاره به این‌که «تجلیل از خانواده شهید علی هاشمی یک اتفاق ویژه برای جشنواره فیلم مقاومت به شمار می‌رود»، درباره فعالیت های بنیاد روایت فتح گفت که «خوشبختانه این بنیاد سال گذشته سه فیلم دفاع مقدسی ساخته است و بنیادارد جدای از فیلم سینمایی در حوزه انیمیشن، فیلم کوتاه و بلند نیز آثار ویژه‌ای از دفاع مقدس تولید کند». در ادامه این مراسم نیز محسن رضایی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن تشکر از اصحاب رسانه و سینما برای پرداختن به دوران دفاع مقدس گفت: «در طول تاریخ دنیا جنگ های زیادی اتفاق افتاده است، اما جنگ تحمیلی ما مقدس بود چون بر پایه حقیقت انسانیت استوار بود. ما آغازکننده جنگ نبودیم و در جریان زندگی هایمان بودیم که تهاجم دشمن آغاز شد و مظلومیت بالاتر از این وجود ندارد». به گفته محسن رضایی: «دوران دفاع مقدس انسان های زیادی را تربیت کرد که می‌توان به حسین خرازی، احمد کاظمی، قاسم سلیمانی، علی هاشمی و بسیاری دیگر اشاره کرد. قهرمانان بزرگی که از دل ملت ایران بیرون آمدند و تاریخ ایران را نورانی و پرافتخار کردند. یکی از آن ها علی هاشمی است که در فیلم «اسفند» ابعادی از ایشان به نمایش درآمد، اما شخصیت این شهید فراتر از فیلم است».

پرده نقره‌ای

آغاز اکران «صبح اعدام»

فیلم سینمایی «صبح اعدام» ساخته بهروز افخمی از این هفته چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت اکران خود را آغاز خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری هنر ایران، فیلم سینمایی «صبح اعدام» ساخته بهروز افخمی که در جشنواره چهل و دوم فیلم فجر نامزد ۸ سیمرغ و برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی برای بهروز افخمی و بهترین بازیگر نقش اول مرد برای ارسطو خوش رزم شد، از روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت در سینماهای تهران و شهرستان ها اکران سراسری خواهد شد. «صبح اعدام» روایتی از لحظات آخر زندگی شهیدان طیب حاج رضایی و حاج اسماعیل رضایی در دادگاه ۱۵ خرداد است و رونمایی آن پنجشنبه اول خرداد در روستای ارتش آبادستان قزوین (روستای زادگاه طیب حاج رضایی) برگزار خواهد شد.

گالری

سالوادور دالی در کاخ موزه نیاوران

مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران به مناسبت روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی، برنامه ها و رویدادهای مختلفی را تدارک دیده که از جمله آن ها می‌توان به نمایشگاه هنری «با دنیای دالی» اشاره کرد. به گزارش هنرآنلاین، نمایشگاه «با دنیای دالی» که از ۲۸ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد ۱۴۰۴ در کاخ موزه اختصاصی مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران برگزار می‌شود، مجموعه آثار سالوادور دالی هنرمند سرشناس و سوررئالیست اسپانیایی را شامل خواهد بود. هم چنین، کارگاه‌های سفال‌گری و مجسمه‌سازی و یک ویژه برنامه کودک محور با عنوان «دنیای شگفت انگیز من و دالی» نیز هم‌زمان با این نمایشگاه تدارک دیده شده است.



جشنواره

جوایز «ماه کوچولوی من» در فیلادلفیا

فیلم سینمایی «ماه کوچولوی من» دو جایزه بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد. به گزارش ایرنا، «ماه کوچولوی من» در ادامه موفقیت های بین‌المللی خود موفق به دریافت جایزه بهترین کارگردانی برای علی عطشانی و بهترین بازیگر نقش اول زن برای ناتالیا پولوازیست وهشتمین دوره جشنواره فیلادلفیا شد. این جشنواره یکی از جشنواره های مستقل و معتبر آمریکاست که به معرفی آثار فیلم‌سازی از سراسر جهان می‌پردازد. فیلم «ماه کوچولوی من» در بخش های بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول زن، بهترین صداگذاری و بهترین فیلم‌برداری نامزد دریافت جایزه شده بود و در نهایت نیز این دو جایزه را به دست آورد. این فیلم داستان جذاب دو دختر نوجوان ایرانی و آمریکایی را روایت می‌کند که یک دوستی عمیق آنلاین بین آن‌ها شکل می‌گیرد.

نمایش خانگی

اکران آنلاین «در آغوش درخت»

«در آغوش درخت» نماینده رسمی ایران در اسکار ۲۰۲۵ راهی اکران آنلاین می‌شود. به‌گزارش مهر، فیلم سینمایی «در آغوش درخت» به‌کارگردانی بابک لطفی خواه‌با شاپس از اکران در سینماهای سراسر کشور، از سه‌شنبه ۱۳ اردیبهشت ساعت ۲۰ در پلتفرم فیلم‌نت اکران آنلاین خود را آغاز می‌کند. این فیلم که در تابستان ۱۴۰۳ در سینماهای سراسر کشور به اکران درآمد، در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر نامزد ۸ سیمرغ و برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه و دبلم افتخار بهترین کارگردانی اول شده بود. مارال بنی‌آدم، جواد قاضی، روح‌الله زمانی، اهورالطفی و رایان لطفی بازیگران این فیلم هستند.

چعبه جادو

سریال شهید رئیسی ساخته می‌شود؟

محمدباقر اعلمی، قائم مقام معاونت امور استان‌های صداوسیما در اولین سالگرد شهادت رئیس‌جمهور فقید از تولید سریالی درباره آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی خبر داد. به‌گزارش تسنیم، قائم‌مقام استان‌های صداوسیما درباره ساخت سریالی با موضوع شهید رئیسی گفت که طرح‌های متعددی با موضوع حاج قاسم سلیمانی و شهید رئیسی به دست صداوسیما رسیده و سفارش هم داده شده، اما هنوز جمع‌بندی نهایی حاصل نشده است. «به هر حال باید طرح‌های قوی در این زمینه ارائه شود. یکی از آسیب‌هایی است که اگر کار خوبی تولید نشود، به تولیدات بعدی ضربه می‌زند و آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. باید در این زمینه بانگاه ملی، شان و جایگاه مناسب رادر نظر گرفت.

خوانندگان ۳۰۰ برابر حقوق نوازندگان را می‌خواهند!

✍️ [شهروند] ارکستر موسیقی ملی ایران که در سال ۱۳۷۷ توسط فرهاد

فخرالدینی راه‌اندازی شد، در نزدیک به سه دهه فعالیت مستمرش- که باعث افزوده شدن بیش از ۲۷۰ قطعه موسیقی به گنجینه موسیقی این سرزمین شده- کنسرت‌های پرشماری را در ایران‌زمین اجرا کرده است. کنسرت‌های متعدد و پرتعدادی در قالب برنامه‌های متنوع- که استقبال مردم از این کنسرت‌ها، بیش و پیش از هر چیزی نشان از این دارد که موسیقی اصیل ایرانی به‌رغم تمام فرازوفرودهایش این قابلیت را دارد که در جامعه جاری و ساری شود. ارکستر موسیقی ملی ایران که تاکنون با رهبری دائمی فرهاد فخرالدینی، بردیا کیارس و فریدون شهبازیان و رهبری مهمان لوریس چکناواریان، سهراب کاشف، نزهت امیری، فریدون شهبازیان، روبن آساتریان، آقاوردی پاشایف، نادر مرتضی‌پور، وحید علی‌پور، اسماعیل واثق و نادر مشایخی اجراهایش را برگزار کرده؛ از سال ۱۴۰۲ تحت رهبری همایون رحیمیان قرار گرفته است. یکی از آهنگسازان شناخته‌شده معاصر بعد از سال‌ها فعالیت درحوزه موسیقی و آهنگسازی بیش از ۱۰۰ قطعه موسیقی و عضویت یا رهبری در ارکسترهای مجلسی رادیو و تلویزیون، ارکستر سمفونیک تهران، ارکستر سمفونیک البرز، ارکستر رودکی، ارکستر صبا و تدریس در هنرستان موسیقی دختران و هنرستان موسیقی صداوسیما در سال‌های اخیر به‌عنوان رهبر دائم ارکستر ملی انتخاب شده است. آن‌چه در پی می‌آید؛ گفتگوی تازه صالحي با این رهبر ارکستر درباره وضعیت ارکستر ملی است که به زودی با اجرای قطعاتی از آهنگسازان موسیقی نواحی با حضور خوانندگان مناطق مختلف و هم‌چنین برگزاری «شب منوچهر بیگلری» از نوازندگان پیشکسوت ترومپت که مدت‌هاست خانه‌نشین شده؛ دوباره روی صحنه خواهد رفت...

●●● شما در این یک سال و چند ماه

که از رهبری تان در ارکستر ملی می‌گذرد، برای مقابله با این شرایط چه کرده‌اید؟

از زمانی که من تصدی رهبری ارکستر ملی را به عهده گرفتم، برای مقابله با این وضعیت و این کمبود با بنیاد رودکی وارد گفت‌وگو شدم. خوشبختانه با حمایت‌های بنیاد، در حال حاضر، با آهنگسازان خوبی وارد مذاکره شده‌ایم تا علاوه بر این که یک سری از کارها، برای ارکستر تنظیم مجدد شوند، تعدادی کار جدید هم به وسیله این گروه از آهنگسازان خوش‌فریحه ساخته شود تا به مدد این تولیدات، برای فعالیت ارکستر خوراک کافی داشته باشیم.

●●● این یعنی تنها مشکل شما در ارکستر ملی اصلی‌ترین مشکل شما در ارکستر ملی بوده؟

نه. اتفاقا ما با مشکلات دیگری هم در این ارکستر مواجه هستیم- که شاید یکی از مهم‌ترین‌ها شان این باشد که نمی‌توانیم دائم کارهای بی‌کلام اجرا کنیم. دلایلش هم این است که برخی از مخاطبان ترجیح می‌دهند به تماشای کنسرت‌هایی از ارکستر ملی بنشینند که با خواننده توام باشد.

●●● آسیب خواننده محوری

درحالی امروز از سوی برخی از

اهالی موسیقی مطرح می‌شود که به نظری می‌رسد وجود نگاه‌های سودجویانه برخی از هنرمندان هم بیشتر به این وادی، رنگ‌وبوی تجاری بخشیده تا فرهنگی. در این زمینه صحبت می‌کنید؟

همین طور است. متأسفانه برخی از خوانندگان مشهور به آن شکلی که باید در این زمینه همکاری نمی‌کنند و کم‌لطف هستند. تالار وحدت گنجایش ۷۰۰ مخاطب را دارد، درحالی‌که این گروه از خوانندگان عمدتاً مبالغی را طلب می‌کنند که از تعداد فروش صندلی‌های این سالن بیشتر است و با منطق همخوانی ندارد. بارها به این مسئله اشاره کرده‌ام ولی‌رغم این‌که برخی از خوانندگان خود را مردمی می‌دانند، اما حاضر نیستند از دستمزد خود بکاهند و به خاطر مردم در تالار وحدت برنامه اجرا کنند. از سوی دیگر، با این‌که ارکستر ملی یکی از شاخص‌ترین ارکسترهای فعلی ما به شمار می‌رود، اما نوازندگان این ارکستر حقوق و مزایای کمی دارند. این اما در حالی است که پیشنهاد خوانندگان مطرح برای همکاری با ارکستر، ۳۰۰ برابر حقوق نوازندگان است!

از این جهت با یک جور عدم تعادل در این زمینه مواجه هستیم. تمام دانشجویان ارکستر ملی، دانش‌آموختگان دانشکده‌های موسیقی درمقطع کارشناسی ارشد هستند و برای رسیدن به نوازندگی حرفه‌ای سال‌ها تلاش کرده‌اند. از آنجایی که خود هم سال‌ها نوازنده بوده‌ام، به‌خوبی می‌دانم که این کار چقدر دشوار است، این‌که برای یک اجرا باید هر روز چندین ماه متوالی تمرین‌کنند و زحمت بکشند، ولی یک خواننده برای یک شب ۴۰۰ میلیون طلب می‌کند! از طرفی، امروز شاهد قدرت گرفتن موسیقی پاپ در جامعه هستیم؛ و وقتی به‌طور دائم فقط موسیقی پاپ از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود و بیلبوردهای شهری هم به‌وقت برگزاری کنسرت متعلق به این نوع موسیقی است و ارکستر ملی برای برگزاری کنسرت خود حتی یک بیلورد هم حوالی تالار وحدت ندارد، چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم که سطح ذائقه شنیداری مخاطب از موسیقی نازل پاپ که کلام و ملودی بی‌کیفیتی دارد ارتقاء پیدا کند؟! پس می‌بینیم که این مسئله مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته است و طبیعی است که اگر یکی از حلقه‌ها در این بین مفقود باشد، نمی‌توان چشم‌انداز روشنی را در این حیطه متصور شد.

●●● پس به نظر می‌رسد ارکستر ملی



برای صیانت از موسیقی اصیل ایرانی با این شرایط کار بسیار دشواری پیش‌رو داشته‌باشد...

بله، خیلی سخت؛ البته ناکفته نماند که بنیاد رودکی در سال‌های اخیر سعی کرده در قالب تخصیص سوبسید از جریان موسیقی ایرانی حمایت کند؛ ولی واقعیت این است که موسیقی ملی ما آن‌طور که باید و شاید در این سال‌ها مورد توجه و حمایت قرارنگرفته است. با این حال، تمام تلاش ما در ارکستر ملی این است که نگذاریم این موسیقی به‌انزو برود و به‌رغم تمام مشکلات هم‌چنان درصدد تولیدات درخشان هستیم.

●●● به نظر شما چرا با وجود تکثر و رشد موسیقین‌ها در سال‌های اخیر، هنوز هم در اغلب کنسرت‌ها مردم خواهان اجرای قطعات بازخوانی شده و به بیان ساده‌تر نوستالژی‌برانگیز هستند و گرایش چندانی به قطعات جدید ندارند؟

دلایلش این است که دیگر به‌ندرت می‌توان با آثار ماندگار مواجه‌شد. درگذشته هنرمندان قدیمی با عشق کار می‌کردند؛ به‌عنوان مثال، روح‌الله خالقی، «هی‌معیری و خواننده‌ای مثل بنان دورهم جمع می‌شدند، درباره ملودی و شعر یک قطعه نظر می‌دادند و برای به سرانجام رسیدن اثر از تل و بدون چشم‌داشت مادی کار می‌کردند و به همین دلیل هم حاصل آن کارها اغلب درخشان و ماندگار می‌شد. امروز آماد یگر این‌طور نیست و گرفتاری‌های معاش باعث‌شده تا موسیقیدانان یک‌شبه کار بسازند و برخی از خوانندگان هم با کمک تکنولوژی و صداسازی دستگاه‌های الکتریکی، این قطعات را که فاقد حس هستند و حداقل این‌که حسی به مخاطب منتقل نمی‌کنند، بخوانند. از این رو، معتقدم موسیقی ایرانی ما نیازمند خلق آثار تازه و درعین حال جذاب است. درست است که بتهوون هم ۹ سمفونی دارد، ولی بحث موسیقی کلاسیک با موسیقی ایرانی فرق می‌کند و ما از این منظر دچار کمبودهای بیشتری هستیم. هرچند اخیراً پیشنهاد کرده‌ام که از ظرفیت آهنگسازان جوان در ارکستر ملی استفاده شود. به‌خصوص این‌که ما نوازندگان خوبی در ارکستر داریم که به‌نظر من سطح توانایی آن‌ها در سال‌های اخیر بهتر هم‌شده است.

هزارتوی تاریخ و سرنوشت این مردم!



انصاف نگریسته شود، در این حرکت نه نقض حقوق مؤلف شده است، و نه توهینی نسبت به نویسنده روا داشته شده. تمام آنچه رخ داده، ترغیب مردم به رجوع به کتاب است... در نهایت هم ناشر با انتشار اطلاعیه‌ای مبنی بر اینکه در این رویداد کتابی امضا نشده و تنها کارت‌پستال‌هایی از سریال توسط عوامل آن امضا و به علاقه‌مندان اهدا شده است، سعی کرده این حواشی پایان دهد.

اماد ادامه برخی از نویسندگان نیز از این رویداد حمایت کردند و آن را در جهت معرفی بیشتر آثار ادبی دانستند. یکی از این افراد علی اصغر عزتی پاک نویسنده بود که نوشت: «من جزو آن دسته از علاقه‌مندان داستان هستم که «سوشون» را مهم‌ترین رمان ایران می‌دانند، بنابراین، احساساتم در مواجهه با این رمان به‌شدت برانگیخته می‌شود. ترگس آبیاز، که منتظر سریالش از این رمان هستیم، این روزها تلاش کرد با استفاده از فرصت نمایشگاه کتاب، موجی تبلیغاتی برای توجه دوباره به «سوشون» راه بیندازد. او به‌همراه خانم بهنوش طباطبایی، بازیگر نقش زری در سریال «سوشون»، به نشر خوارزمی رفتند و کتاب و برگه تبلیغاتی سریال را برای علاقه‌مندان امضا کردند. حالا برخی صادقانه، و برخی نیز از روی غرض، در حال تخریب این حرکت هستند، اما به‌نظر می‌رسد چنین اقدامی صرفاً یک ادای دین به رمان و نویسنده هنرمند و اندیشمندش بوده است و اگر به‌چشم

این روزها انتشار خبری درباره جشن امضای «سوشون» توسط بهنوش طباطبایی و ترگس آبیاز موجی از واکنش‌ها را به دنبال داشته است. این مطلب می‌کشد با مرور ماجراهای این روزها این پرسش را پاسخ ده‌د که چرا این کتاب سیمین دانشور این قدر باعث حساسیت شده است؟

به گزارش تسنیم، برگزاری مراسم جشن امضای کتاب «سوشون» با حضور ترگس آبیاز و بهنوش طباطبایی که سوالات و واکنش‌های متفاوتی را از جانب اهالی فرهنگ و نویسندگان به‌همراه داشت- که آیا فردی غیر از نویسنده می‌تواند کتاب نویسنده‌ای چون سیمین دانشور را امضا کند یا نه؟!

حاشیه‌ها از نوشته کوتاه اسدالله امربی مترجم آغاز شد که به جشن امضای کتاب «سوشون» واکنش نشان داد و نوشت: «... فقط حیف که سیمین دانشور نیست این هنگامه را ببیند. حیف سیمین دانشور، حیف انتشارات خوارزمی».